

به نام خدا

انقلاب اسلامی

و

چالش‌های جهانی شدن فرهنگ

ابوالقاسم صیادی

نیکان کتاب

بهار ۸۴

صیادی، ابوالقاسم، ۱۳۳۸-

انقلاب اسلامی و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ / ابوالقاسم صیادی -
زنجان: نیکان کتاب، ۱۳۸۳.
۱۹۲ ص.

ISBN 964-8725-15-2: ۱۵۰۰۰ ریال:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۷۱-۱۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. جهانی شدن. ۲. فرهنگ - تأثیر جهانی شدن. ۳. نظم نوین جهانی.
الف. عنوان.

۳۰۶/۲

۸ الف ۹ ص / JZ۱۳۱۸

۸۳-۲۵۱۳۶

کتابخانه ملی ایران



انتشارات نیکان کتاب

●
انقلاب اسلامی و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ

مؤلف: ابوالقاسم صیادی

امور فنی: نیکان کتاب

طراحی روی جلد: امین اجاقلو

لینوگرافی: پارسا / چاپ: محمد

●
چاپ اول: بهار ۸۴

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ISBN 964-8725-15-2

مرکز پخش و فروش: زنجان، خ سعدی وسط، کوچه شهید باقری، ساختمان سپهر

تلفن: ۳۲۳۵۵۴۱ / دورنگار: ۰۲۴۱-۳۲۳۵۵۴۲

فهرست

عنوان	صفحه
چکیده	الف
پیشگفتار	ج
مقدمه	ح

فصل اول

کلیات

طرح مسأله	۳
تعاریف عملیاتی	۹

فصل دوم

رهیافت نظری

مقدمه	۱۷
نظریه‌های جهانی شدن	۲۱
حوزه نظری فرهنگ	۳۰
نظریه‌های جهانی شدن فرهنگ	۳۲

فصل سوم

پیشینه تاریخی

پیشینه تاریخی	۵۹
---------------------	----

فصل چهارم

تأثیرات جهانی شدن فرهنگ بر انقلاب اسلامی

سنت زدایی از فرهنگ	۷۵
جایگزینی فرهنگی	۱۲۸

فصل پنجم

پیامدهای آزمون

پیامدهای آزمون	۱۴۵
خلاصه و نتیجه گیری	۱۵۸
پیشنهادهای	۱۶۸
فهرست منابع	۱۶۹

چکیده

پژوهش حاضر تلاشی است برای بر ملا ساختن تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر انقلاب اسلامی و پیامدهای ناشی از آن. در عصر فن آوری‌های ارتباطات و قرن انفجار اطلاعات مرزهای فرهنگی فرو ریخته، دولتها دیگر همچون گذشته جایگاه و نقش اکثریتی خود را از دست داده‌اند. ارتباطات الکترونیکی جهان را کوچک کرده و به هم پیوند داده است. امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند خود را در حصار مرزهای ملی محبوس و از تعامل و ارتباط با دیگران باز دارد. تداوم بقا و حیات جوامع در گروه مرآمده و ارتباط با یکدیگر است. در فرایند جهانی شدن فرهنگ، جوامع مختلف به سمت همسانی و یکپارچگی فرهنگی حرکت می‌کنند.

گرچه به اعتقاد برخی از اندیشمندان پدیده جهانی شدن، بستر کثرت گرایی فرهنگی را فراهم می‌آورد و زمینه و امکان ظهور و بروز فرهنگ‌های مختلف را متصور می‌سازد.

پژوهش حاضر بر مبنای آن دسته از نظریه‌های فرهنگی که فرایند جهانی شدن را ناظر بر حرکت جوامع به سمت یگانگی فرهنگی می‌دانند، بر شکل‌گیری فرهنگ واحد و سمت و سوی جوامع به سوی فرهنگ یگانه در

فرایند جهانی شدن فرهنگ تأکید دارد. نظر به اینکه امروزه فرهنگ غرب و به ویژه فرهنگ آمریکا به عنوان فرهنگ جهانی مطرح است پیش بینی می شود که فرهنگ غرب به کمک تکنولوژی ارتباطات و کالایی کردن فرهنگ، سلطه و سیطره خود را بر جوامع تحمیل نماید.

حرف اصلی این تحقیق این است که اگر جهانی شدن فرهنگ را به عنوان یک پروژه در نظر بگیریم با توجه به نیاز انقلاب اسلامی به تکنولوژی و دستاوردهای آن که بار فرهنگی خاص خود را دارد و از طرفی اعمال سیاست بسته فرهنگی و تلاش برای احیاء بنیادگرایی فرهنگی و از سوی دیگر نفوذ گسترده وسائل الکترونیکی، کامپیوتر، ماهواره، فاکس و... در کشور دسترسی آسان به شبکه های خبری بزرگ دنیا و امکان تماشای کانال های متعدد تلویزیونی ماهواره ای، تعدیل و حذف بسیاری از عناصر سنتی فرهنگ جامعه اسلامی و پذیرش فرهنگ و الگوی فرهنگی وارداتی (غرب) را در پی خواهد داشت و در صورت عدم مواجهه علمی و عقلانی با این پدیده شاهد غلبه فرهنگ جهانی در کشورمان خواهیم بود.

پیشگفتار

در عصر انفجار اطلاعات با سیل گسترده داده‌ها و اطلاعات تازه، فن آوری‌های نوین و شگفت‌انگیزی مواجهیم که روز به روز زندگی انسانی را بیشتر از خود متأثر می‌نماید و می‌رود تا شالوده‌های مادی حیات بشر را بیش از گذشته متحول و دگرگون سازد.

فرایند جهانی شدن فرهنگ تمامی جوامع و فرهنگها را به واکنش و داشته است و در مسیر حرکت تکاملی و روبه جلوی خود فرهنگهای ملی و محلی را به چالش کشیده و با بحران هویتی مواجه ساخته است. بسیاری از مفاهیم متحول شده و جایگاه کلاسیک خود را از دست داده‌اند و معانی تازه‌ای را به خود گرفته‌اند. در عصر حاضر فرهنگ و مباحث پیرامونی آن به یکی از مهمترین و حساس‌ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی تبدیل شده است. انقلاب اسلامی نیز از این امر مستثنی نبوده است و دارای حساسیت‌ها و نگرانی‌های خاص خود در عرصه فرهنگ می‌باشد. لذا انجام پژوهش در امر فرهنگ جامعه اسلامی و واکنش آن نسبت به فرایند جهانی شدن فرهنگ جدای از کلی‌نگری، لازم و ضروری بوده است. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که فرهنگ‌ها به سرعت به سمت همسانی و هم‌شکلی پیش

می‌روند. برخی نگاه خوش بینانه و برخی دیگر نگاهی بدبینانه به مسأله جهانی شدن فرهنگ دارند. روند جاری جهانی شدن و به دنبال آن جهانی شدن فرهنگ واقعی‌تری انکارناپذیر است که تحولات عمده‌ای را در لایه‌های مختلف زندگی افراد باعث گردیده است. لذا برای استفاده از جنبه‌های مثبت جهانی شدن فرهنگ و کاهش هر چه بیشتر جنبه‌های منفی آن ضرورت شناخت منطق جهانی شدن فرهنگ و پیامدهای ناشی از آن در جامعه اسلامی ایران به منظور ظرفیت سازی فرهنگی، باز تولید فرهنگی و حفظ هویت جامعه اسلامی ضروری به نظر می‌رسد تا بتوانیم با استفاده از امکانات و ابزارهایی که انقلاب انفورماتیک و جهش علمی در عرصه ارتباطات و اطلاعات برای ما فراهم آورده استفاده نماییم و تهدیدها را به فرصت‌هایی برای تعالی و توسعه و پیشرفت کشورمان تبدیل نماییم. لذا باید به طور دقیق و ریزبینانه ابزارها، خطرهای تهدیدها و فرصت‌ها را به خوبی بشناسیم.

مقدمه

تاریخ بشر گورستان فرهنگ‌های بزرگی است که پایان فاجعه آمیز آنها بدان سبب است که نتوانسته‌اند در برابر چالش، واکنش برنامه‌ریزی شده، بخردانه و ارادی بروز دهند. اریش فروم، ۱۹۶۸، ص ۶۲.^(۱)

در خصوص جهانی شدن، نظرگاه‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ای نگاهی خوش بینانه به این پدیده داشته آن را فرایندی انکارناپذیر می‌دانند، که در روند تکاملی جامعه راه خود را یافته و همه کشورها را از خود متأثر می‌نماید. این عده حجم عظیم مبادلات تجاری و سرمایه گذاری فراملی، گسترش و افزایش حجم عظیم مبادلات تجاری و سرمایه گذاری فراملی و بین‌المللی و گرایش به جنبه‌های مشترک فرهنگی در سطح جهان را حاکی از حرکت به سمت شکل‌گیری یک جامعه واحد جهانی و همسانی ساختاری، نهادی و فرهنگی جوامع مختلف در سراسر جهان می‌دانند. برخی دیگر با دید منفی به موضوع نگریده، جهانی شدن را نوعی

۱- فرهنگ رجایی، پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعات، ترجمه حسین آذرنگ، چاپ اول،

(تهران: آگاه ۱۳۷۹)، ص ۱۲۷.

«تهاجم فرهنگی» طراحی شده از سوی کشورهای غربی و به ویژه آمریکا جهت استعمار کشورهای دیگر و گسترش و جایگزینی فرهنگ و تمدن غرب به جای ارزش‌های فرهنگی و تمدنی سایر کشورها قلمداد می‌کنند تا جایی که بعضی جهانی شدن را دسیسه طراحی شده به منظور گسترش سلطه و سیطره فرهنگ غرب بر جهان به بهای اضمحلال و نابودی دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دانسته و از این پدیده به عنوان «جهانی کردن» و نه «جهانی شدن» و یا بعضاً آمریکایی شدن (Americanization) یاد می‌کنند.

اما واقعیت این است که گرچه نمی‌توان نقش تکنولوژی و توسعه فن آوری و مدرنیزاسیون را در سرعت بخشیدن به امر جهانی شدن نادیده گرفت و اینکه عمده‌تأ نوی سازی و اشاعه و گسترش آن به نقاط دیگر جهان از سوی غرب صورت گرفته است غیر قابل انکار است، از این رو بدیهی است غرب که بیشترین سهم را در مبادلات تجاری در سطح جهان به خود اختصاص داده و عظیم‌ترین سرمایه‌گذاری‌های فراملی متعلق به این کشورها است و عمده‌ترین صادر کنندگان تکنولوژی به دیگر کشورها می‌باشند و بیشترین سهامداران سازمان‌هایی بین‌المللی هستند، به همراه حجم عظیم کالای صادراتی خود، فرهنگ مصرف‌کننده‌های کالای خود را در تنگنا و معرض خطر جایگزینی فرهنگی قرار دهند. اما به نظر می‌رسد فرایند جهانی شدن دارای ساختاری پیچیده‌تر از آن است که صرفاً آن را در چارچوب فرهنگ غرب و با اهداف غربی کردن دیگر کشورها مورد بررسی قرار داد.

هنگامی که جهان را به سه پاره جهان اول، دوم و سوم تقسیم می‌کردند این انتقاد معنی داشت. اینک ما در شرایطی هستیم که این تقسیم کار دیگر محلی از اعراب ندارد. برخی از کشورهایی که جزء جهان سوم به شمار

می آمدند اینک از کشورهای جهان اول ثروتمندترند. در همین حال جوامع کمونیست اروپایی و اتحاد جماهیر شوروی دیگر وجود ندارد. در این شرایط بحث ها نیز کم و بیش در مورد کل جهان است. همانطور که قبلاً هم تأیید کردم پدیده یکپارچگی جهانی دیگر موضوعش گسترش غرب به سایر مناطق جهان نیست ویژگی های جهان سوم در میان برخی کشورهای متمدن نیز یافت می شود.^(۱)

در دهه های پایانی قرن بیستم شاهد برجسته شدن جهانی شدن و مباحث پیرامون آن بودیم. انقلاب انفورماتیک، تحولات عمیقی در ارتباطات جهانی بوجود آورد. به قسمی که امواج ماهواره ها و شبکه های جهانی فاصله های زمانی و مکانی را به حداقل ممکن رسانده، جوامع را به هم نزدیک و جهان را کوچک ساخت. جهانی شدن اقتصاد و کالایی شدن فرهنگ، پدیده جهانی شدن فرهنگ را به سرعت مطرح کرد. تولید انبوه کالاهای مصرفی، الکترونیکی شدن کالاها و سرعت نقل و انتقال آن به سراسر جهان. امواج فرهنگی صاحبان تکنولوژی، مرزهای فرهنگی کشورها را در نوردید و فرهنگ های بومی و محلی را به شدت در معرض خطر نابودی قرار داد. پیشرفت های شگفت انگیز در تکنیک های ارتباطی و حمل و نقل، مرزهای ملی را فرو ریخته و فرهنگ های ملی و قومی را به چالش فرا خوانده است. جا به جایی های صورت گرفته در بسیاری از ارزش ها، باورها و تست های جوامع در دهه های اخیر از جمله در جامعه اسلامی ایران به ویژه در حوزه

۱- کریستوفر پیرسون، معنای مدرنیت (گفتگو با آنتونی گیدنز)، ترجمه علی اصغر سعیدی، (تهران):

فرهنگ حکایت از این موضوع دارد. متغیرهای مختلفی در شکل‌گیری آن پدیده دخالت دارند، تغییرات به وجود آمده در نوع نیازها و درخواست‌های مردم، ترکیب ساختمان‌ها و معماری شهری و شیوه‌های کسب و کار، منشأ از جاکندگی باورهای سنتی، شیوه‌ها و سامانه‌های اجتماعی سنتی در جامعه می‌باشد. بنا به گفته یورگن هابرماس:

این فرهنگ کالایی شده نه تنها خود را بر سرزمین‌های دور تحمیل می‌کند. بلکه حتی در غرب نیز معنادارترین تفاوت‌ها را همتراز، و ریشه دارترین سنتهای محلی را سست بنیان می‌کند.^(۱)

جهانی شدن فرهنگ نمودهای گوناگونی دارد که همسانی در نوع نیازها و مصرف و گرایش به سمت فرهنگ یکسان و ایجاد محیط‌های مرجع همسان به عنوان منبع هویت بخشی جدید را شکل داده است، که بروز رفتار یکسان، استفاده از الگوی مشابه البسه، آرایش و نوع غذای مصرفی از جمله نمودهای آن هستند. بررسی‌های به عمل آمده گویای این مطلب است که تحولات چند دهه اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگ به دلیل دگرگونی‌های درونی جامعه و ساختار شکنی‌های ناشی از انقلاب و از طرفی فروریزی مرزهای فرهنگی به ویژه بعد از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تغییرات شگفت آور ناشی از عصر انفجار اطلاعات وضعیت جدیدی را برای فرهنگ جامعه اسلامی رقم زده است و به همین سبب مسئولین جامعه اسلامی را با شرایط متفاوتی روبرو ساخته

۱- یورگن هابرماس، جهانی شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰)، ض

است. لذا بررسی تأثیرگذاری فرآیند جهانی شدن فرهنگ بر جامعه اسلامی ایران که در پی بروز انقلاب اسلامی در دهه ۲۲ بهمن سال ۵۷ به استقرار رژیم جمهوری اسلامی در کشور ایران منجر شد ضروری می‌باشد.

اگر بتوان در فرهنگ جامعه اسلامی عقب نشینی در لایه‌های سنتی فرهنگ در مقابل مدرنیسم را شناسایی کرد و یا همسانی و همنوایی بخش‌هایی از فرهنگ را با فرهنگ فراملی به ارمغان رسیده از فراسوی مرزها در قالب تکنولوژی، کالاهای مصرفی و یا هرپوشش دیگر مشخص کرد آنگاه می‌توان متغیر یا متغیرهای دخیل مشترکی را در عقب نشینی فرهنگ سنتی و جایگزینی عناصر فرهنگی جدید یافت.

آنگاه با کنترل و بررسی آن براساس نیاز و درخواست داخلی و میزان سرعت و حجم انتقال پاسخ به درخواستهای داخلی، نقش آن را در دگرگونی‌ها و تغییرات حاصله مشخص نمود. در این پژوهش ادعا این است که فرایند جهانی شدن فرهنگ همان متغیر دخیل می‌باشد که به صورت مستقل عمل می‌نماید. بنابراین فرضیه پژوهش این است که «فرایند جهانی شدن فرهنگ انقلاب اسلامی را با چالش سنت زدایی از فرهنگ و جایگزینی فرهنگی مواجه می‌سازد». بدین ترتیب متغیر مورد نظر ما (متغیر مستقل) همان فرایند جهانی شدن فرهنگ است.

«منظور از جهانی شدن فرهنگ «فرایندی است که طی آن جوامع از بعضی جهات به سمت همسانی، یگانگی فرهنگی و جامعه واحد جهانی حرکت می‌کنند».

فرهنگ یکی از حساس‌ترین مباحث مربوط به جوامع گوناگون است که ملت‌ها در طول قرون متمادی با طی فراز و نشیب‌ها، جنگ و بحران‌های

شکننده سعی کرده‌اند تا هویت فرهنگی خود را حفظ کنند. با توجه به تحولات عظیم در علوم و دانش مختلف به ویژه جهش چشمگیر در فن آوری ارتباطات، حمل و نقل و به عبارتی انقلاب انفورماتیک، فرهنگ به کانون مجادله و بحران در جوامع مختلف تبدیل شده است، به قسمی که چگونگی تعامل فرهنگ‌ها با فرهنگ فراگیر جهانی بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. روابط جدید شکل گرفته بین محل‌ها و جوامع مختلف و ارتباط و تعامل میان فرهنگ‌های متفاوت، کوچک شدن جهان، استفاده از مظاهر ارتباطی نوین

(مانند: گیرنده‌های تلویزیونی، رادیو و گیرنده‌های ماهواره‌ای و... مبادلات گسترده کالا و مصرف کالاهای فرهنگی جملگی حاکی از تحولات و دگرگونی‌های بنیادین در سطح جهان می‌باشد که می‌تواند نظام نوینی را در جهان قالب بندی نموده و جهانی شدن را سرعت بخشد. گرچه در حال حاضر بخش وسیعی از جامعه جهانی از مزایا و امکان دسترسی به پاره‌ای مزایای توسعه و پیشرفت بی بهره می‌باشد لیکن به نظر می‌رسد که با سرعت‌گیری فن آوری‌های نوین و کاهش هزینه‌ها، فاصله روز به روز کاهش یابد.

جهانی شدن فرهنگ، پیوند نزدیک و تنگاتنگی با پیشرفت تکنولوژی و توسعه فن آوری ارتباطات دارد. شبکه‌های جهانی، ماهواره‌ها، صنعت حمل و نقل، مراودات و ارتباطات را در کوتاه‌ترین زمان ممکن میسر و امکان‌پذیر ساخته. بدین ترتیب فاصله و زمان را در اختیار گرفته است. پژوهش حاضر این نظریه را می‌پروراند که در فرایند تکاملی و برگشت ناپذیر جهانی شدن، حوزه فرهنگ در جامعه اسلامی ایران به شدت در معرض تهدید از ناحیه

جهانی شدن قرار گرفته و جهانی شدن فرهنگ بستر لازم را برای تعدیل یا حذف بسیاری از عناصر سنتی از فرهنگ و جایگزینی فرهنگ نوین فراهم می‌آورد.

نظر به اینکه جامعه اسلامی ایران به دلایلی تاریخی دارای شکاف‌های اجتماعی است، ترکیب و ساختار اجتماعی، ادغام دو هویت ملی و مذهبی در کنار موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیکی ایران، وجود ذخایر غنی نفت و گاز و سایر معادن و استقرار در منطقه مهم جهان که نگاه تمامی کشورها را به خود معطوف داشته و نیز این واقعیت که این کشور از دیرباز دارای اهمیت اقتصادی سیاسی و جغرافیایی بوده و هست، آسیب‌پذیری کشورمان را در برابر پدیده جهانی شدن و در پی آن جهانی شدن فرهنگ افزایش می‌دهد. در همین جا لازم می‌دانم از همه دوستان و کسانی که اینجانب را در مراحل مختلف این پژوهش یاری رسانیده و کمک نموده‌اند. صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.